

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مترجم از انگلیسی :
دیپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین ، ۱۸ مارچ ۲۰۰۹

اوباما اشتباهات شوروی را در افغانستان تکرار میکند

Celestine Bohlen مبصر سیاسی سایت "بلومبرگ" Bloomberg به تاریخ ۲۵ فبروری مقاله ای را زیر عنوان بالا در آن وبسایت نشر کرد، که در صفحه ۹ مارچ ۲۰۰۹ پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان"، اقتباس گردید. چون این مقاله مطالب حایز اهمیت را در مورد افغانستان عزیز در بر دارد، ترجمه نکات عمده اش را به حضور اشرف خواننده پورتال تقدیم میکنم :



۲۵ فبروری ، بلومبرگ :
مفکوره هول انگیزی به میان آمده ، که اتازونی احتمالاً در پل پای (جای پای) اتحاد شوروی، قدم میگذارد.
دقیقاً بیست سال بعد ازینکه شوروی اردوی خود را از افغانستان بیرون کشید، اضلاع متحده در صدد تقویت قوای خود در کشوری برآمده، که به "گورستان امپراتوری ها" شهرت دارد.

این مملکتیست که رئیس جمهور "بارک اوباما" آن را "میدانِ صحیح جنگ" خواند و گفت که ما با یک دشمن واقعی و بخاطر دلایل برحق می‌جنگیم. ما سال ۲۰۰۱ بدانجا رفتیم، تا القاعده را سقوط داده و طالبان را از مصطبه قدرت بر اندازیم، تا افغانستان دیگر هرگز بحیث خاستگاه حملات تروریستها مورد استفاده قرار نگیرد. مشکل درینست، که اکنون ما را خطر ناکامی نیل به هدف معین و حتی خطر شکست، تهدید می‌کند. فرستادن عساکر بیشتر امریکائی، چاره گر نیست.

وضع امنیتی افغانستان در دوازده ماه اخیر رو به وخامت نهاده است. یک احصائیه که بر گزارش ملل متحد اتکاء دارد، حاکی از آنست که: تلفات ملکی نظر به سال گذشته به اندازه ۴۰ (چهل) درصد بالا رفته و به ۲۱۱۸ نفر رسیده، که ازین میان ۵۲۲ نفر بر اثر حملات قوای ائتلاف و قوای حکومت افغانی، به هلاکت رسیده اند. این فقط یک دلیل است، که چرا اوباما بنا بر یک پالیسی قابل درک، مضاف بر ۳۸۰۰۰ عسکر موجود امریکائی در افغانستان، تصمیم عاجل به فرستادن ۱۷۰۰۰ عسکر دیگر، گرفت. این پالیسی حتی استخدام قوای بیشتر را پیش بینی میکند.

تا جائی که تاریخ بما درس میدهد، تزئید و تشدید قواء برای سرکوب قیام و شورش، راه حل درست نیست. **شوروی** ها این درس را بعد از ده سال در افغانستان گرفتند، و فرانسوی ها در الجزائر و ما امریکائیان درس خود را در ویتنام دریافتیم.

تزئید قطعات به ناکامی می انجامد

نظر به ارزیابی مؤسسه "رند" Rand Corporation در سال ۲۰۰۸، هر قدر که قوای خارجی حضور خود را در جنگهای ضد مقاومت، تقویت بخشند، "به همان اندازه نتیجه بدتر میگردد". باید گفت که:

تزئید یکبارگی قوای جنگی باندازه ۳۰۰۰۰ عسکر در جنوری ۲۰۰۷ در عراق، منجر به بهبود وضع امنیتی در بغداد و دیگر شهرهای عراق گردید. مگر عنصر عمده - (و به اصطلاح تحت اللفظ "عنصر کلیدی" - مترجم) - در زمینه، که به "انتباه انبار" (Anbar Awakening) * مسمی گردیده، کوشش و تلاشی بود سیاسی، که رهبران سنی مذهب، بعد از سه سال تطاول و طغیان، به نفع اتازونی و برضد شورشیان اقدام کردند. در افغانستان نبرد در شهرها - که نسبتاً مطمئن میباشند - صورت نمیگیرد. جنگ در نصف جنوبی پیش برده میشود، که کمابیش در کنترل طالبان است و قوای ائتلاف را در آنجا به چشم دشمن مینگردند.

درسهای شوروی ها

شوروی ها بیست سال پیش درس خود را گرفتند و جای تعجب نیست که ایشان اینک نصیحتی را درین زمینه، پیش میکشند، نصیحتی که خیلی ها در دناک هم جلوه میکند.

بوریس گروموف، جنرال سابق شوروی، به مناسبت سالگرد خروج عساکر شوروی - بتاريخ ۱۵ فیبروری ۱۹۸۹ - گفت که: «افغانستان برای ما درسی ناچیز (و من میگویم "درسی بس سترگ" - مترجم) داد، و آن اینکه این امر، ناممکن بوده است و همیشه ناممکن هم خواهد بود، که معضلات سیاسی را بتوان از طریق قوه حل کرد.»

وزیر دفاع اتازونی، رابرت گیتس، هفته گذشته در اروپا (ضمن کانفرانس امنیتی پیمان ناتو در شهر میونشن المان - مترجم) به مؤتلفان امریکائی خود دو راه را پیشنهاد کرد: «آنانی که خواهان تقویت قوای نظامی خود در افغانستان نیستند، سهم خود را باید در "زمینه امنیت" - اداره و انکشاف - اداء نمایند...»

....

برخلاف اتحاد شوروی که ده ماه بعد از خروج از افغانستان، از هم گسیخت و فرو پاشید، آخر کار اتازونی (فرو پاشی و اضمحلال اتازونی - مترجم) در افغانستان مسجل نخواهد گشت.

وقتی جنرال "پترویس" Genral Petraeus (جنرال مشهور امریکائی در ناتو - مترجم) در همین ماه در کانفرانس میونشن (مراد از کانفرانس امنیتی پیمان ناتو در ماه فیبروری ۲۰۰۹ در شهر میونشن المان - مترجم) اظهار کرد - و حق هم با اوست - که: "نمیتوان تاریخ افغانستان را سطحی نگریست"، مرادش این بود که تاریخ افغانستان تاکنون آرزوهای بلندپروازانه بسا جهانکشایان را به خاک یکسان ساخته است؛ از اسکندر کبیر گرفته تا لئونید برژنف.»

نوت:

* "انبار" شهریست در عراق

تبصره مترجم:

نویسنده مقاله با وجودی که به حق به وقایع تاریخی افغانستان اشاره کرده و آزمندان امریکائی و ناتوئی را از فرجام کارشان در افغانستان هشدار داده است، وقتی با وجدان فرنگی و امریکائی خود به قضاوت برمی خیزد، نمیخواهد

اقرار نماید که حکم تاریخ افغانستان بر اشغالگران امریکائی و ناتوئی نیز جاری خواهد گشت. وی با وجود اذعان به تاریخ و اینکه بس کلاه و افسر جهانگیران در افغانستان، از سر افتاده و آرزوهایشان زیر خاک گردیده، وقتی به کشور خود میرسد، باور نمیدارد که تاریخ این وطن استثنائی نخواهد کرد و حکم خود را بر اتازونی نیز تطبیق خواهد نمود.

آینده در قبال ماست و جهان شاهد، که پیشگویی نویسنده امریکائی درست خواهد بود،

و یا حکم بیرحم تاریخ افغانستان!!!